

صحیفة الحسین علیہ السلام

[354] کاش آن زمان سرای طبیعت نگون شدی * وز هم گسسته رابطه کاف و نون شدی کاش آن زمان که کشتی ایمان به خون نشست * فلك فلك ز موج غمش غرقه خون شدی کاش آن زمان که رایت دین بر زمین فتاد * زرین لوای چرخ برین واژگون شدی کاش آن زمان که عین عیان شد به خون تپان * سیلاب خون روان ز عیون عیون شدی کاش آن زمان که گشت روان کاروان غم * ملك وجود را به عدم رهنمون شدی کاش آن زمان ز سلسله خیل بیکسان * يك حلقه بند گردن گردون دون شدی کاش آن زمان که زد مه یثرب به شام سر * چون شام صبح روی جهان تیره گون شدی کاش از حدیث بزم یزید وشه شهید * دل خون شدی ز دیده حسرت برون شدی گر شور شام را به حکایت در آورند * آشوب بامداد قیامت درآورند ب ب ب
